

## بررسی علل اساسی درگیری های جناح های رنگارنگ رژیم.

مدتها است که موضوع درگیری های مابین باندها و جناح های جمهوری اسلامی ایران، بگونه ای بی سابقه شدت پیدا کرده است. تقریباً هر روز وقایع مربوط به تشدید شکاف مابین جناح های رنگارنگ رژیم در ایران، به سر تیتز رسانه های همگانی در جهان تبدیل میشود. حتی بسیاری از صاحب نظران سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی، چگونگی سرنوشت کشور ایران را با نتایج این رویارویی ها مرتبط میدانند.

واضح است که تا زمانی که توده حق طلب مردم برای دست یابی به حقوق خود در همه زمینه ها، موفق نشوند با تعمیق گفتمان دمکراتیک و سازماندهی خود و بمیدان آوردن عدد بزرگ به صحنه و رویا رویی با رژیم، با ایجاد ارتباط و هماهنگی بخش های مختلف مبارزه ای سراسری و تلفیق مبارزه مخفی و علنی، به مقابله سازمان داده شده با این نظام غیر انسانی بر نیاید و فرمانروائی فرمانروا را ناممکن نکنند؛ رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی ایران، بحیات ننگین اش ادامه خواهد داد. کودتا و یا دخالت های دول امپریالیستی که بتواند این رژیم را بزیر بکشد، بشهادت تاریخ، رفاه، آزادی و برابری را به مردم کشورمان ارزانی نخواهند کرد.

**بر ما نبخشند فتح و شادی / خدا، نه شه ، نه قهرمان**

**با دست خود گیریم آزادی / درپیکار های بی امان**

در این مقاله سعی خواهم نمود ضمن به تصویر کشیدن درگیری های جناح ها صاحب منصبان رژیم، و نتایج حاصل از آن، در رابطه با علت این درگیری ها توضیحاتی را ارائه بدهم.

در بررسی علت های اساسی تشدید اختلاف مابین باندها و جناح های جمهوری اسلامی ایران، بچندین مورد باید توجه کرد :

- ۱ - **جامعه** در اثر سرکوب، ترور ، خفقان افزایش فقر و بیکاری، بحالت انفجاری در آمده است.
- ۲ - **مسبب این وضعیت** از جانبی زیاد خواهی و رقابت های سودجویانه دستگاه رهبری- خود رهبر- جناح های رنگارنگ رژیم و **عملکردها و سیاست های جمهوری اسلامی ایران**، در تمام دوران ۳۲ سال گذشته و بویژه در دوران احمدی نژاد است و از جانب دیگر نیروی قهریه رژیم است که هر معترض و هر خواست مردمی و یا خارج از نیازهای نظام و در رأس آن ولی فقیه را با زندان، شکنجه و اعدام پاسخ میدهد.
- ۳ - سید علی خامنه ای دیگر قادر نیست همانند گذشته رهبری بکند و با مانور های لازم در رابطه با اختلافات درون باندهای رژیم، خودش را بر فراز نظام قرار بدهد و با کشیدن سرخ ها، تعادل ایجاد بکند.
- ۴ - عامل قدرتمند سپاه پاسداران، بعد از تحکیم مواضع اقتصادی خودش ( ۷۰- ۸۰٪ اقتصاد ایران در دست سپاه است ) ، دیگر نمیخواهد تنها بعنوان چوب دست رهبر و تماماً در خدمت سیدعلی خامنه ای باشد. بلکه حرف حساب اش با ولی فقیه اینست که : تو را، نه با اختیارات مقام خدائی در مقابل سپاه، بلکه بعنوان یکی از خودمان میخواستیم. به بیان دیگر، سپاه پاسداران، امروز خودش بعنوان یک مدعی قدرت، در رابطه با سیاست گذاری در ایران، سهم میخواهد. در این سهم خواهی، حیطة عمل رهبر، بسیار کمتر و محدودتر خواهد شد.
- به سخنان جعفری، فرمانده سپاه پاسداران و منتصب ولی فقیه توجه کنید. او برای چگونگی سیاست انتخاباتی رژیم در رابطه با مجلس شورای اسلامی، خط و نشان میکشد. سپاه پاسداران را در جایگاه شورای نگهبان و نظارت استصوابی قرار میدهد.
- ۵ - هنوز مرکب چاپ سخنان فرمانده سپاه پاسداران جعفری، خشک نشده بود که جانشین پیشین ولی فقیه مجتبی ذالنور اعلام کرد : " شورای نگهبان بر اساس اظهارات محمد علی جعفری فرمانده کل سپاه، صلاحیت و نامزدی انتخاباتی را تائید و یا رد نخواهد کرد." جالب توجه اینست که هر دو مقام فوق الذکر در سپاه پاسداران، منتصب ولی فقیه هستند. آیا وضعیت سید علی خامنه ای بیشتر به اواخر دوران محمد رضا شاه و ارائه نظرات متناقض شبیه نشده است؟ سئوالی اساسی که در اینجا مطرح است اینست که ؛ واقعاً تا چه حد ولی فقیه نظام، بر اوضاع مسلط است؟

۶ - محمود احمدی نژاد، بعنوان رئیس جمهور، بنابر ساختار جدید رژیم ( در سه پایه قدرت : دستگاه رهبری و شخص رهبر - سپاه پاسداران و دولت انتظار یون ) ، استقلال عمل و سهمی بیشتر از قدرت را طلب میکند.

۷ - تعدادی از نمایندگان مجلس هم ( بعنوان قوه مقننه ) در رقابت های سپاه و دولت با رهبر، وارد میدان شده اند و در مقطع تضعیف رهبر و دعوای گرگ ها ، برای خودشان استقلال و حق رأی و سهم ملموس در قدرت را، طلب میکنند.  
به گفتار یک نماینده دانه درشت مجلس شورای اسلامی، در رابطه با ناراحتی او از اقتداء بخشی از نمایندگان مجلس به سیدعلی خامنه ای توجه کنید :

- علی مطهری، اخیراً در ۱۱ جولای، در مصاحبه ای با "خبر آنلاین"(تارنمای وابسته به آقای علی لاریجانی) گفته است: "مجلس به شاخه ای از دفتر رهبری تبدیل شده است".

علی مطهری معتقد است: همین رفتار مجلس، در دوره های هفتم و هشتم باعث به وجود آمدن "پدیده احمدی نژاد" شده است.  
از نظر علی مطهری، این هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی است که هر تصمیم گیری نمایندگان را منوط به رسیدن ندائی از جانب سید علی خامنه ای نموده است.

در این مصاحبه علی مطهری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواسته است، خود شخصاً جسارت تصمیم گیری را داشته باشند. نه اینکه در هر موردی نظر خامنه ای را جویا شوند.

علی مطهری همان نماینده ای است که مبتکر پروژه استیضاح احمدی نژاد در مجلس است. بنظر مطهری این استیضاح غرور کاذب احمدی نژاد را در هم خواهد شکست.

۷ - یکی از زمینه های انکارناپذیر ایجاد بزرگترین بحران در جمهوری اسلامی ایران (پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در سال ۱۳۸۸)، وقوع تقلبات در این نمایش انتخاباتی و دخالت علی خامنه ای بنفع احمدی نژاد بود. این موضوع به چشم اسفندیار خامنه ای تبدیل شد. امری که از طرف ولی فقیه نظام، بارها انکار شده است و افشاگری های میرحسین موسوی و مهدی کروبی در این مورد، سرنوشت دردناک آنان را رقم زد.

- اما امروز بنظر میرسد که " پشم و پيله" ولی فقیه ریخته شده است. تا جایی که عماد افروغ (از عناصر اصولگرایان) اعلام کرده است که " وقوع تخلف در انتخابات دهم ریاست جمهوری، غیر قابل انکار است." همین فرد در رابطه با موقعیت سید علی خامنه ای در نظام گفته است : داریم ولی فقیه را به مقام خدائی میرسانیم!

۸ - در این بلیشو، خود احمدی نژاد، در چند ماهه اخیر، هر کجا قادر بوده است، ضربه هائی به رقبایش در قدرت زده است. خواه قوه مقننه ، خواه قوه قضائیه ، خواه سپاه پاسداران و یا شخص رهبر:

- منوچهر مکی را مفتضحانه برکنار کرد - وزیر اطلاعات را برکنار کرد - ۱۱ روز در سرپیچی از دستور رهبر، در رابطه با ابقاء وزیر اطلاعات، در خانه بست نشست - برخلاف نظر مجلس، ۶ وزارت خانه را در 3 وزارت خانه ادغام کرد - گفت دلم برای رهبر میسوزد، او بدون مردم هیچ است و...

۹- احمدی نژاد از طرف همه رقبایش، مورد حمله قرار گرفت. تا جایی که "نوب شدگان در مقام رهبری" او را تهدید کردند که ؛ رهبر میتواند حتی زنش را هم به او حرام اعلام نمایند! البته احمدی نژاد بعداً مجبور شد، تقریباً در همه این موارد فوق الذکر، عقب نشینی بکند.

۱۰ - احمدی نژاد که در آغاز درگیری های علنی با دستگاه ولایت و اصولگرایان " سکوت الهام بخش " اعلام کرده بود، بعد از مدتی اعلام کرد که خط قرمز برای او، اعضای کابینه اش هستند.

۱۱ - در پاسخ به خط قرمز احمدی نژاد، غلامحسین محسنی اژه ای دادستان کل رژیم، اعلام کرد : دستگاه قضایی هیچ خط قرمزی برای مقابله با افراد قائل نیست، اگر قرار بود خط قرمزی وجود داشته باشد، این دستگیری ها نبود.

۱۲ - حمله به احمدی نژاد ادامه یافت. خامنه ای ظاهراً خواستار تخفیف این حملات شد اما اعلام کرد؛ اگر لازم است کسانی دستگیر شوند، دلیلی ندارد که اسامی آنها را در بوق و کُرنا بکنند. گفت: آخر این بیچاره ها، زن و بچه دارند! یعنی عملاً با حمله به احمدی نژاد و دستگیری اطرافیان احمدی نژاد موافقت کرد، اما خواستار آن شد که دستگیر شدگان را "تابلو" نکنند.

۱۳ - احمدی نژاد، در اینجا، سکوت خود را شکست. به "برادران قاچاقچی" و بزرگترین قاچاقچی کشور، یعنی سپاه پاسداران و اسکله ها و بنادر غیر مجاز آنها اشاره کرد. ضمناً جهت جلب افکار عمومی، به 20 میلیون خانوار ایرانی، وعده ویلا و باغ را داد.

۱۴ - اما در کنار وعده "باغ شهر" به مردم، محمود احمدی نژاد قصد دارد، اداره اوقاف را به استناداری ها واگذار نماید. به بیان دیگر، این اقدام احمدی نژاد در تلاشی است که مدیریت کل اوقاف را، از دست نماینده ی خامنه ای خارج بکند. و تحت اختیار رئیس جمهور در آورد.

۱۵ - احمدی نژاد در اوج گزافه گویی های سیاسی خود این ادعا را هم کرده است که: مردم ایران به همه آرزوهایی که حتی فکر آن را نیز نمی کردند دست یافته اند و کشور در اوج شکوفایی، و مردم آن در قله رفاه و نیک بختی قرار دارند. (به واقع احمدی نژاد در دروغگوئی دارد گوی سبقت را از گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر هم، می رباید).

۱۶ - توجه کنید: بزبان ساده، در بین جناح ها و باندهای نظام جمهوری اسلامی ایران آنچنان بلبشویی براه افتاده است که دیگر "سگ صاحبش را نمی شناسد."! بعلاوه هر کس هر چه میخواهد ادعا میکند و یا با ریختن آبروی نداشته رقیب، میخواهد از او جلو بزند. افشاگری های جناح های رژیم در رابطه با یکدیگر، بعلاوه صف آرائی های جدید جناح های رژیم، شتابی بی سابقه یافته است.

- حمیدرضا ترقی- عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی- گفته است که از نظر خامنه ای:

#### در هیچ دوره ای شاهد این اندازه از اصطکاک بین قوا نبودیم.

- همین حمیدرضا ترقی، در مصاحبه با یکی از سایت های اصولگرا خیر داده است که علی خامنه ای، کمیته ویژه ای برای بررسی «قانون شکنی های دولت احمدی نژاد» تشکیل داده است.

- خامنه ای، رهبر نظام ضمناً گفته است که: به جای «رسانه ای شدن اختلافات»، باید موضوعات در این کمیته بررسی بشود. اما تداوم علنی اظهارات خصمانه نیروهای رقیب در جمهوری اسلامی ایران نشان میدهد که هیچکدام از طرف های دعوا دیگر، عملاً، برای آتورپته رهبر نظام دیگر "تره هم خورد نمیکند."

- حمیدرضا ترقی، معتقد است: «یقیناً رهبر نظام، اجازه نخواهند داد که این وضعیت ادامه پیدا کند.»

- در میانه درگیری ها، در حالی که محمود احمدی نژاد اینجا و آنجا مصوبات مجلس شورای اسلامی را اجرا نمیکرد. لذا تعداد قابل ملاحظه ای از نمایندگان مجلس ناراضی بودند (الان هم هستند). اینها میخواستند که احمدی نژاد را در مجلس استیضاح بکنند. اما، سید علی خامنه ای روز ۱۳ تیرماه در دیدار با کادرها و فرماندهان سپاه پاسداران، به آنها گفت: "از مشتعل کردن اختلاف ها در بالا، خودداری بکنند." این دستور خامنه ای در حالی صادر میشود که او فرمان داده است که کمیته ویژه ای برای بررسی قانون شکنی های دولت احمدی نژاد تشکیل بشود. البته این شیوه همیشگی در جمهوری اسلامی ایران است: یک چیز میگویند ولی در عمل، کار دیگری میکنند.

#### **خلاصه کنم:**

- با توجه به موارد بالا، یک چیز روشن است. ادامه کار دولت احمدی نژاد تا دو سال دیگر در هاله ای از ابهام قرار گرفته

است. در این رابطه توجه شما را به اظهار نظرها و اطلاعات ذیل جلب مینمایم:

- مجتبی ذوالنور، جانشین پیشین نماینده ولی فقیه در سپاه گفته است که ادامه کار محمود احمدی نژاد، به رفتار و عملکرد وی بستگی دارد.

- محمدرضا باهنر، نماینده مجلس، از تمایل علی خامنه ای به ادامه کار احمدی نژاد تا پایان دوره قانونی او، خبر میدهد. و این

در حالی است که خامنه ای دستور داده است که کمیته ویژه ای برای بررسی «قانون شکنی های دولت احمدی نژاد» تشکیل بشود.

- سپاه پاسداران اطلاع داده است که بعنوان " ضابط دادگستری " ، سرنوشت باند احمدی نژاد را به این نیرو واگذار نموده اند و بموقع خود، سپاه پاسداران همه سران گروه انحرافی را دستگیر خواهند کرد.

- هر روز که میگذرد، شکاف ها در بالا‌های رژیم و در میان جناح های رژیم و صاحب منصبان آن، بیش از روز پیش میشود.  
- هر روز که میگذرد، نمایش اقتدار رژیم در ذهن توده ها بیش از پیش در هم شکسته میشود. بویژه انزوای ولی فقیه در بین آیت الله های دانه درشت، باند احمدی نژاد، اصلاح طلبان، پایه های سپاه و بسیج و کوتاه و در خیمه و خرگاه حکومت، برجسته تر میشود. (در بین لگدمال شدگان جامعه - اکثریت قریب به اتفاق شهروندان کشور - سال های سال است که رهبر نظام، جایگاهی نداشته است).  
- توان احمدی نژاد و باندش نیز در تحولات اخیر در درون رژیم - بروشنی و برخلاف خود بزرگ بینی های جنون آمیز رهبران این باند - دارای آن انسجام و سازماندهی نبود که دستگاه ولایت را به تبعیت از خود در آورد و لذا بشدت ضربه خورده است.

- برخی از فرماندهان سپاه پاسداران نیز که با بدست گرفتن بخش بزرگی از امکانات مالی، در این رویا بودند که با بی آبروتر شدن رهبر و رئیس جمهور، بعنوان نیروی قاهره، عملاً به نیروی هژمونیک و برتر نظام تبدیل خواهند شد ، نصایح امامشان روح الله خمینی را بکنار گذاشتند. اکنون بنظر میرسد که سران سپاه پاسداران( با توجه به اظهار نظرهای متفاوت آنها و بعضاً نفی نظرات همدیگر)، تا حدودی دچار سرگردانی شده اند. [ در اینجا خالی از لطف نخواهد بود که وصیت خمینی در رابطه با سپاه پاسداران را یادآور شوم. خمینی علاوه بر اینکه بعنوان رهبر نظام، مسئولیت های سنگینی در جنایات رژیم داشت و در مواردی خود فرمان دهنده آن جنایات بود، در رابطه با دخالت نظامیان و شبه نظامیان در امور سیاسی ، نظرات روشنی داشت. وصیت خمینی در این مورد بقرار زیر است :

"قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگه دارند. در این صورت، می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند. "

روح الله خمینی تاکید کرده بود که در غیر اینصورت قوای مسلح، "چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد"، به تباهی کشیده می‌شوند.

• با توجه به موارد بالا، پاسخگویی به این سوال ؛ علت این درگیری ها چیست؟ ساده تر میشود :

واقعاً نیروی محرکه جناح های رنگارنگ رژیم برای حکومت کردن چیست؟ امروز با انتشار اطلاعات و اخبار بیشتر از درون رژیم ، مردم کشور ما بیش از گذشته دریافته اند که اکنون اکثریت امکانات مالی و اقتصادی کشور عمده‌تاً تحت سلطه دستگاه ولایت و شخص ولی فقیه، سپاه پاسداران و دولت انتظار یون و اعوان و انصار آنها قرار گرفته است. سهم باندهای دیگر رژیم، به نسبت این سه باند، "مختصر" است.

بعلاوه مردم بیش از گذشته متوجه شده اند که رانت نفتی کشور، که عمدتاً منبع تامین مخارج کشور و غارت و چپاول است، برحسب اینکه کدام جناح رژیم در تعیین سیاست دست بالا را داشته باشد، آن جناح سهم قابل ملاحظه تری از غارت و چپاول را بخود اختصاص میدهد و با تعیین سیاست است که رهبران و صاحب منصبان رژیم، نه تنها منابع مالی که غارت نیروی کار و دیگر ثروت های کشور ( از جمله درآمد نفت ) را نیز ، تحت سلطه قرار میدهند.

با توجه به این واقعیات و بر همین مبنا است که همه جناح های رنگارنگ رژیم و بویژه اجزاء مثلث ؛ دستگاه ولایت و شخص ولی فقیه، سپاه پاسداران و دولت انتظار یون و اعوان و انصار آنها، هر بدنامی، بی آبرونی و فضاحت و جنایتی را بجان می‌خرند تا موقعیت خود را در رابطه با سیاست و اقتصاد در این نظام جهانی تثبیت نموده و در صورت امکان گسترش دهند.

همین جنون قدرت و دست یابی به سرمایه های بیشتر بعلاوه دشمنی با خواست های بحق مردمی که آزادی و برابری میخواهند است که ، در این مقطع، وضعیت فضاحت بار حکومت کنندگان در جمهوری اسلامی ایران را، شبیه دوران درگیری های مابین نمایندگان مجلس نظام ستم شاهی نموده است.

اکنون دیگر حتی برای عقب مانده ترین اقشار اجتماعی نیز روشن است که جناح های رنگارنگ رژیم برای کارگران، زنان، جوانان، ملیت های ساکن ایران و... " دستاورد"ی بجز امیدوار نگه داشتن آنان به مواهب بهشت متصورشان، تداوم استثمار ، بی حقی مردم ،

سرکوبها و خفقان عرضه ننموده اند. این را تنها آزادیخواهان و مخالفین تبعیض نمیگویند، این را تاریخ 32 سال حاکمیت خونبار جمهوری اسلامی اثبات کرده است.

اصلاح طلبان رژیم هم اکنون از حاکمیت به بیرون پرتاب شده اند. اما، آن زمان که ریاست قوه مقننه و ریاست قوه اجرائی را هم داشتند، بقول محمد خاتمی فقط تدارکاتچی ولی فقیه بودند. اصلاح طلبان رژیم همواره نشان داده اند که؛ از زیاده خواهی های دستگاه ولایت وحشت زده و از تعمیق خواست های ترقیخواهانه و پیش روی مردم هراسان هستند.

اکنون نیز بعد از آن که از قدرت به بیرون رانده شده اند، بیش از گذشته نشان داده اند که از توده های خواهان آزادی و رفع تبعیض عقب مانده تر هستند. رهبران این جناح، نه میخواهند و نه میتوانند خواستار قانون اساسی مردمی شوند. حتی خواستار لغو اصل ولایت فقیه نیز نیستند. اما، منطقی انسانی حکم مینماید که در مخالفت با سرکوب و خفقان، زمانی که اینان نیز آزادی شان بنابر سیاست های سرکوب گرانه رژیم نقض میشود، از حقوق انسانی آنان دفاع بشود.

ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران و سیاست ها و عملکردهای رهبران این رژیم، آنان در در جایگاه مجرمانی قرار داده است که میبایست بجرم جنایت بر علیه بشریت، در دادگاهی عادلانه محاکمه بشوند.

انجام این رسالت مهم نیز تنها از عهده مردمانی برمیآید که با تعمیق آگاهی های دمکراتیک و سازماندهی جنبش عظیم، برای تأمین منافع عظیم، جمهوری اسلامی ایران را سرنگون نموده و رسالت تعیین سرنوشتشان را نیز خودشان بعهده بگیرند. به امید برآمدن آن روز!

در رابطه با چگونگی دست یابی به این مهم، در مقاله "پیش بسوی دستیابی به آزادی و برابری در ایران"، نظرم را ارائه داده ام.

احمد نوین

۱۳ جولای ۲۰۱۱ - ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰